

اگر اول در نصیب من بست یا نه اگر دل و غم داخل باشد و بنام هم موجود شود فرزند در نصیب است و اگر
 مانع باشد از اول در شکل برادر داخل سعد و بچاسه بنام یا قیمت باشد بگوید که بعد چند ساعت خواهد
سوال سعادتمندی است فرزند اگر سوال از سعادت و بخت و سخاوت فرزند کند شکل پنجم یا پنجم
 دوم. ایا بهم ازین هر دو یک شکل کند اگر \equiv باشد بر تیر و در حال یادوم یا پنجم یا باز در چهارم یا پنجم
 دلیل که فرزند با سخاوت بود و آنچه پیدا کند نه الحال قسرت کند و اگر یکی از \equiv \equiv \equiv برآید و در
 خانها مکر شود صاحب خزانه شود و هیچ مال کند و خرج کمتر کند اگر \equiv \equiv \equiv برآید درین خانها مکر شود
 و نفس شود و اگر \equiv \equiv \equiv برآید در خانها سه مذکور تکرار کند کسبت و نفوس بود به جلیبو و خوشی و معطر
 بوسه یا معطر \equiv فدائی و تمام باز فاسق و گریز یا \equiv در دو وفا باز اگر سوال کند فرزند تا شدن از جانب
 بیاعورت در اول و هشتم بپیدا کرد اول \equiv باشد معیب در منتهی دست و اگر در هشتم \equiv باشد علت در عورت
 بود اگر \equiv \equiv \equiv فرزند ملول برآید و اگر پنجم \equiv \equiv \equiv بود هم از جانب عورت بود و اگر \equiv \equiv \equiv بود بعد
 نویسد بود یا دیگر **سوال در ارضی عمر فرزند** اگر سوال در ارضی فرزند کند اگر در خانه پنجم این شکل \equiv \equiv \equiv
 \equiv \equiv \equiv زود میر و زیاده از یک سال نگذرد **سوال دایه** اگر سوال دایه کند دوم شیر خوردان و سوم
 نیک و دوم محسن و دوم مهر و سعادت دایه مبارک و شیر و سه مفید است اگر سوم نیک و دوم محسن و تکرار
 در ششم شیر و سه سفر است اگر سوال کند که این سپهر را شیر مادر خوب است یا دایه اگر اول سعد باشد و سوم محسن
 شیر مادر بهتر است و اگر عکس باشد حکم عکس نماید و اگر مهر در سعد فخر است و از نتیجه اول و پنجم و سوم و پنجم
 حکم نماید **سوال معشوق** در خانه پنجم اگر شکل داخل سعد و یا خارج سعد و تکرار در خانها سه نیک نماید معشوق
 دوستی کند و در خانها سه عداوت و خصومت خواهد کرد و اگر در پنجم محسن باشد و تکرار در خانها سه دوستی
 نماید یا بدگفت که اگر معشوق در بخش است اما دوستی خواهد کرد و نیز پیش آنکه دوستی معشوق را معتقد
 نشاید بر آید قلب است و اگر در پنجم سعد و تکرار در خانها سه بدبخت معشوق اگر چه در دوستی است اما در عداوت
 خواهد آمد و اگر در پنجم خارج محسن و عکس آن در یازدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم آید باید گفت که اگر معشوق در
 کم مری است و در گریز است اما آخرام خواهد شد و \equiv \equiv \equiv در پنجم در مزاج است پس چند آن بدی از او
 ظاهر نشود \equiv معشوق کم مری است از نتیجه اول و پنجم حکم نماید از سعد و محسن و تکرار او در خانه سه نیک **سوال**
از مخر شدن معشوق اگر سوال کند که معشوق سخن و زبان \equiv \equiv \equiv خواهد شد یا نه شکل از اول و پنجم برآید
 در چهارم زود اگر سعد شکل داخل با سعد ثابت برآید معشوق در دوستی با تکرار حکم خواهد بود و اگر سعد خارج آید
 خواهد کرد میان و همیشه مواصلت نخواهد بود و اگر محسن خارج و داخل و قلب محسن برآید بدست نیاید و قلب

شکل نقاب پس حاصل رزق گاهی چه کم است و بعضی در دویم هم در دست برین سینه دارد و در یازدهم
 پنجم مزاج و سکه در شانزدهم بیب شش پارچه بر سر آید باره ما شده و خوشه بیت می باشد مانند
 و فرزند سائل دو باشد از سد و باز بیب بکرا ابو ذکره پنجم که مشوب است از نرس است و دو جاست و پنجم
 در او پس که شسته که ملک ماعش گرت یا گرد کرده در آن هم سایه بود و اندک نملر بصواب نگاهت اگر
 شود چهارم باشد شاید که بالادان برانه داشته باشد و بیب پنجمه بیب خاندان آسمان شده باشد از
 سده بت شکل آید و از نرسه پستان خا لوی و ال شمر الابدول کجی عس و پنجم رسته در چهارم
 پنجم و در پنجم باشد عمر آن کس نباشد و اگر باشد انوک بین حکم در بیماری بکار آید و در پنجم پنجم و پنجم
 که سعد باشد و لا اله الا الله و از آن عمر و بخش تباهی او اگر سوال از عمر باشد که بچشم خود گذشت از سنات و پنجم
 چهارم و ذکر آن گوید **عاقبت** و اگر از عاقبت کار برسد از اول و چهارم پنجم باز و از چهارم و پنجم شکل
 و از بره یک شکل کند اگر آن شکل داخل سعد و تکرارش در خانها سه نیک عاقبت آید خوب خواهد شد و اگر
 شکل سعد و تکرارش در دولت بر روی دارد و اگر شکل بدست و تکرارش در خانها سه نیک پس درین خوبی
 نیست اما طور بره پنجم خواهد شد **سوال و کیفیت** اگر کسی پرسد که درین مکان دینیه هست یا نه بدین
 نیت دل زند اگر شکل چهارم سعد داخل به پنجمه نیک بر نماند و دینیه هست و اگر در چهارم حاج و
 پنجمه بود و نباشد دینیه نباشد و اگر پنجمه موجود و پنجمه دینیه هست لیکن نخواهد آمد از هر چهارم و پنجم
 اگر داخل سعد بر آید حکم بودن دینیه هست اگر در آن مذکور این دینیه در نصیب است یا نه از چهارم چهارم پنجم
 باور و در دویم هر یک کند و اگر سعد داخل باشد نصیب هست و کس نه ولایتیه حکام دینیه و فیصل معده نوشته خواهد
 شد اما اندک عاقبت **عاقبت** هر کار سوال باشد باید دید که نامه را اول این سوال هم
 سعد و شکل آنخانه نصیب باشد خانه ضرب شاید در چهارم پنجم و پنجمه در پنجمه بر آید از سعد و پنجم
 و حکم کند و اگر پنجم پنجم باشد یا در نرسه عاقبت بخیر شود **سوال دیگر** **کیفیت مکان**
 گوید در چهارم باشد گوید که سائل دو خواهد بود و در چندت سبوت دار هم باشد پنجمه و بیب است بر خا
 مکان و پنجمه بر خزانه آن و اگر در چهارم پنجمه و از نتیجه آن شده بر آید نقش در آن مکان گیرود اگر سوال
 خرید مکان باشد اول در چهارم پنجمه بر آید اگر سعد داخل آید یا کست دروم اگر سعد باشد شفقت خواهد شد
 و دروم پنجمه چندان شفقت نباشد احکام هر جای پنجم پنجم اگر سوال از نرسه کند اگر خیر پنجمه پنجمه
 هم بیب است نیک بود نرسه در دو وجود و نرسه اگر شکل پنجم باشد در خانها طاق چه بود و خانها سه
 شفقت نرسه و اگر پنجمه در پنجمه که در نماند نرسه سوال **نرسه** اگر کسی سوال کند

حکم است و اگر در پنجم خارج و در خانه سوم و یا نهم نیکس آن همه همین حکم است و **==** را بجهت ملاحظه کنند اگر در سوم
و یا نهم و یا زدهم و چهاردهم و شانزدهم باشد محو آمدن خدا کند مقرر تا بشره که است خانه پنجم بهر طریقی که نوشته شد
و اگر از معنون نام پرسند باید دید اگر شکل پنجم سعد و در خانه سعد بنظر نیک است یا با بعضی نیک نویسد و اگر در پنجم
عشس در خانه به مکرر شود چیز سه بد نوشته باشند و اگر شکل عشس در خانه نیک و یا شکل سعد در خانه عشس پس
بسی اعتبار باشد آنچه از نیک و بدی نوشته باشند و نیز **==** و شکل عطار در ملاحظه کنند که در اول کجاست سجده چوب
یا به عشس و تو سبت یا ضعیف حکم از آن کند و اگر از راست و دروغ خبر پرسند اگر در پنجم سعد و در خانه سه
عشس سعد کما کند خبر راست است و اگر در خانه سه چه کما کند خبر خوش است اما دروغ و اگر در پنجم عشس و در خانه
عشس خبر بد است و پنجم عشس در خانه نیک خبر بد است لیکن دروغ و از مغزوب اول و پنجم نیک و بد خبر گویند و اگر در
پنجم **==** **==** **==** باشد کتب برسد و اگر **==** و **==** بشر سعد و نیز راست و دروغ چیز از تنبیه پنجم و بدینتر
گویند نوع دیگر از پنجم تا پانزدهم نقطه از اعداد شمارند اگر طاق بود خبر دروغ و صحت بود خبر راست و طاق
== و **==** هم باید کرد اگر بعد پیوسته است عشس دروغ اگر پرسند که سول می فرستد همه را بسازد و اگر در اول **==**
بود راست گوید و در کفایت گر **==** **==** ساخته شود **==** در راه رنج بند **==** **==** کار تا کند بنده
مشقت **==** به ملت و مدارا ساخته گردد **==** به پنج چیز رسد **==** به حکام ساخته شود **==** زود باز گردد و ساخته
== در دوم ساخته نشود و اگر پنجم خارج یا منقلب رسول در راه میرد و اگر داخل بود ساکن است و ثابت خفته بود
فائده اگر از لباس پرسند حکم از اولیت و سعادت خانه پنجم گوید و اگر از عطاسه خلعت پرسند
اگر در خانه پنجم سعد داخل و مکرر در اول و دهم و یازدهم و چهاردهم دلیل بر حصول خلعت است خصوصاً اگر منسوب خلعت است
و لباس است اگر در خانه پنجم باشد و بجای نیک با قوت باشد خانه پنجم داخل سعد دلیل بر حصول خلعت است و حکم
بریه و تخف و موفات هم همین منوال است لیکن در هر دو تخف ملاحظه باید نمود **== چیست آنچه **==** را در بندت نیک**
و **== را در پنجم بدین ملک و اگر بر نسبت داده اند اگر سوال از مهمانی و ضیافت باشد اگر در **==** و **==** و **==** شکل حد بود**
هر دو کار نیک است و اگر در اول عشس و هفتم سعد باشد طبع نباشد و تیا بد رفت و آلا جنگ افتد و اگر در سوال **==**
آید نیز همین حکم است **== **==** **==** آید البته جنگ افتد و اگر در نهم شکل سعد باشد خبریت برود و باز آید **==****
اگر پرسند که ضیافت می کنم چون باشد طالع میزبان در پنجم همان هر کدام که سعد بود آنرا خوب گویند ده اگر در هفت بود
ممانعت شرکت نسبت ز نخاع و عروسته و آمدن غائب بود و اگر **== کما کند صاحب خانه خود بود و جهت شادی نیزند**
یا غنیه پارسه و دست و اگر در **== بود تعصیه اعداست بنا القیاس از مکرر گویند بر خانه که باشد و اگر سوال کنند که چه**
خبر در پیش من آید نظر کنند در پنجم تا چه شکل آمده از داخل و خارج اگر **== **==** **==** دلیل کند هر یک طعام و اگر منقلب**

تجانیست مشهور و گاهیست مشهور در تعلق بدین دارد و با و بکلام زائب با اتصال و خاک با انفصال پس در
اول و پنجم نقطه تعلقش شود گوید که یک دیگر است بی بند و بار باشد کلام هم می کرده باشند و آب اتصال کرده
باشند و خاک جدا شود اول باشد و در پنجم نباشد سائل دیده است و با و در اول و پنجم نباشد کلام
سورقت بگیرنده باشد در پروردگار یعنی بنای فیاس و بین حکم را بعضی از تنبیه اول و پنجم می گویند و اگر
پرسند که محبت از سن بزیاده یا از معشوق در هر شکلی که نقاط زیاده باشند محبت زیاده باشد و اگر پرسند که
در سن و معشوق عشق هم سنده یا نه اگر در اول و پنجم یا در میان اول و پنجم --- و --- و --- و غیره
اشکالی که برام منسوب است باشد یا در پنجم اشکالی زاهره و مرغ با یکدیگر ناظر باشند مواصلت شده
باشد و اگر اشکالی اول و پنجم عکس یکدیگر باشند و هر طرفی که در سن باشد محبت خواهد بود و اگر چه بعد باشد
و پنجم در پانزدهم در ملاقاتش توقف باشد سوال از معشوق بود --- --- --- --- --- --- در اول
نه و تکرارش در سوم و پنجم بیشتر است در عشق بمیشنان مخالف --- --- --- --- --- --- اند و
بین هشتاد و نوبت معشوق با آرزو کرده چرا که ششم خانه --- --- --- --- --- --- آرزوگی و
عداوت است و پنجم در دوازدهم بدشنام نسبت داده اند پس خوب --- --- --- در مقام عداوت
آمده و ششماهه کشش میسر و منهدک هم شکل دو آرزو است که منسوب عداوت پس در میان سائل
معشوق عداوت است و سائل بسبب خفگی از میشینان و ششایان بیزار است و آفریب اول و پنجم ---
برآمد چون --- عداوت و پنج معضری کشاده ندارد گفته باطل برده در ملاقات آمده و بخش است توقف باز
ملاقات مشهور چرا که --- در خانه یازدهم و پنجاهم و هم میزان خود است و باطن --- موجود است موافق بر
که منسوب به ملاقات است و دلیل دوم اینست که بن صورت معشوق است در سیزدهم که گواه طالع سائل
است در آمده و از خانه خود پنجم خود است که خانه دوستی است خواست که معشوق مسخر ثابت و موافق خواهد بود
از اول و پنجم --- برآمد آمد با --- در پنجم در چهاردهم --- باشد گفته و زمان برده خواهد بود و به شقت بسیار ملاقات
خواهد شد و بخش با خواهد شد که تکرار --- و ششم است خواست که عاقبت معشوق چه خواهد کرد و از دست و دهنش را بجا بجا بفرستد
پانزدهم چهارم که --- باشد ضرب کردم حاصل شد از پنجم هر دو پیدا شد از پانزدهم که ضرب نمودند و پنجم تکرار دارد و گویند
ملاقت بعد از آن خواهد شد لیکن --- از خانه خود پنجم خواهد پس گاه آشنایی هم خواهد بود اما بی اعتبار چرا که خارج بخش
است و نه در پنجم در در --- که معشوق است پس معشوق بسبب فلسفه و اوار مسی در بقیراری است
و الله اعلم بالصواب اگر کسی از اندک خط و خبر باشد نظر کند در پنجم اگر چه در غیره مسعد اخل است یا خارج سعد
و تکرارش در سوم یا در پنجم باشد باید گفت که خط و خبر و راه است و در یازدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم و بیستم

باشد چون ۱۰ ۱۱ ۱۲ هر دو گونه طعام و اگر خارج باشد دلیل بر طعامهاست بسیار و اشکال ثابت نیز بر یک طعام و
اگر ازین شکلی ۱۳ دلیل بر نیتهای خوش در گوشت است ۱۴ و شیرینی و حلوا ۱۵ و طعام خوش بختک ۱۶
بر پلا و بر چیزهای تلخ و گویو اگر بنده و ۱۷ بر چیزها و طعامهاست خوش در گوشت فریب و اگر بنده بر چیزهای
ناخوش و بوسه ناخوش ایضا ۱۸ و دلیل بر طعامهاست ترش و شور و دونه و مسکه و اگر سوال کند که طعام از کجا
آورده اند نظر کند در خانه هم که در کدام محلت است اگر در خانه است تثلیث و تسدیس که است آن طعام و در وقت آن
مرد است و در خانه مزاج و مقابله مکرر کند از تسدیس آورده اگر در اول و ۱۹ خلیج سعد باشد دلیل بشاوی و شوخی
از معانی برآید و اگر خمس خارج باشد پریشانی و تشویش خاطر نوعی دیگر برای چیز و شریهائی برین نیت مل اندازد
و در او تاد نظر کند اگر سعد باشد معانی خوش باشد و الا ناخوش و اگر ازین اشکال بود ۲۰ در آن معانی جنگ
و خصومت باشد نشاید رفتن و نظر کند اگر در اول و دوم سعد باشد سائل در آن معانی سلامت بود و اگر خواست که معانی
برای چه معنی است از شکل طالع گوید تا بچه منسوب است و مکرر او از شکل دوم و صورت او ۱۰ و نشاط او ۳ و کسانیکه در آن
مجلس باشند از ۳ و طعامها را از شیرینی و ترشی و خوش و ناخوش از ۵ و عیب معانی از ۶ و دشمنان سائل از
هفتم و آنکه سائل را از سر و پند یا از ۸ و صورت سائل از ۱۰ و دوستان سائل از ۱۱ و دشمنان او از ۱۲ و آنکه سائل
از معانی خوشدل باز گردد و از غم گوید و اگر در پنجم ۱۳ باشد گوشت مرغابی و مرغابی آبی و از چهارم و چهارم شکلی
تولد کند اگر در طالع برآید سائل را در غیا و شمس نیست و در چهارم دوستان پیدا باشند و در هفتم دشمنان سائل
آنها باشند و در دوم دوستان از چهارم با در و حاکم و در دوم دوستان سائل نوع دیگر اگر از خوردن شراب
پسند طبع سائل از طالع و شراب از پنجم اگر پنجم اول و پنجم سعد بود موافق طبع و خوشی بجهت بود و از ۶ شراب گوید
اگر سوال از تیر انداز است بود اگر در طالع سعد و در پنجم خارج سعد بود تیر انداز استن مبارک بود و اگر طالع بر پنجم دوم
قوت غالب بود یک تیر اندازد و اگر سیزدهم بر اول غالب باشد همه یکجا شده تیر اندازد و اگر پنجم شخص
شخص داخل و خمس منقلب تیر نشان زد و خطا شود و اگر سوال از سفارش بود در پنجم سعد و مکرر در سفارشات
شهر یا از پنجم و چهارم بود سفارش مؤثر شود نوع دیگر اگر بر سنده که مشتوق با سن چونت ۹ را در
۱۳ ضرب کند و ۱۱ را در ۱۳ و از هر دو نتیجه نتیجه بگیرد اگر نارسد سوالاتی برآید در نتیجه اول واقع شود محبت از
طرف سائل باشد و در نتیجه دیگر از طرف محبوب و از شکل خمس بی طاعتی بیان نماید و برای معلوم کردن زواده
محبوب را یا ۱۱ ضرب نماید و نتیجه را با ۵ ازین شلته حکم کند اگر بر سنده که بر تیب چونت اگر با پنجم با دو از پنجم موافق
بار تیب بترو مائل بود و اگر کسی سوال کند که مرانشا در نوع خواهد شد اگر در پنجم سعد بود طالع ضرب کند اگر سعد
حاصل شود نشاء و خورس خواهد شد و اگر در طالع و پنجم خمس بود سعد متولد شود هر چند فلاکت زده باشد نشاءش

میساج سبب و سفته باشد در چهارم نیز شکل به منتقلب خارج تا پس گاه گاه از خانه گرفته است لیکن از
 مشهورین نرفته در بار الله و زوجه ساقی وی را نمی خواهد بر می آید که از نیش به و و جهان بر آمده که از
 سازه نریه بقتم افه که خانه سعادت است و عدد در بهشت و به در اول بهشت پس آن غلام نه ساله
 باشد چون در دوم به پیش قدش بساکن بد نباشد لیکن تنگه مزاج مانده بسبب نخوست به طالع و در پنجم
 ششم که در پنجم زایچه باشد نیز موجود است و از قریب به صاحب خانه بر آمده پس آن بزنده سیاد رنگ
 به کاره پاره گو باشد با و دوستی دارد و کم خدمت مفر است و کابل نیز چرا که در دوم ششم که با نوزدهم زایچه باشد
 به که منسوب بنمرد کابلی است نوع دیگر اگر سوال از چهار باشد اگر اول ششم خارج سعد و هشتم هم سعد
 چاردهم و پانزدهم هم خارج ولالت بر صحت و سلامی از بیماری است نوع دیگر شکل چارم را بنمرد و از دوم
 ضرب کند و ششم را به ششم و از هر دو نتیجه بر آورده بطلان اگر شکل خارج سعد باشد و در احصاء و پنجم نگار کند
 دلیل تقاست و سعد منقلب را بر همین حکمت و سعد داخل بد بر به شود و اگر غرض منقلب یا غرض داخل و غیره
 بر آید و در ۶ و ۸ و ۱۲ مکرر شود دلیل موت نقطه هسه بادی و آتشی شمار و آبی و خاکی اگر آتشی و بادی نیاید
 شوند دلیل تقاست و آبی و خاکی دلیل موت و غلبه اشکال خارج سعد هم همین حکم شفا و در و غلبه به هم
 دلیل تقاست و اگر نقطه از میزان حرکت کرده متسی بجایه شود و از آنجا حرکت آتشی و یا طوفانی کند هم دلیل
 تقاست و اگر از متسی بجز حرکت نکند دلیل بر بدی و اگر در ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲
 باشد هم دلیل بر موت و هیچ نقاط افراد را بشمار و در سه گان طرح کند اگر یکی مانده شفا یا بد بزرگ و در
 دو مانده بد و اگر سه مانده بد و در بین او ستادین میر شعله و هم بر کافه اختلاف نوره زوده اندا گیکه مانده بد و اگر ۲ مانده بد و بی صحت یا بد
 اگر ۳ مانده بد بر غیر شود و اگر در اول و پنجم و نهم و دوازدهم به و مکرر شود دست اگر به در اول و پنجم در ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲
 و اگر در ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بدست بیشتر که در پانزدهم غرض باشد و اگر سعد خارج باشد پاک نیست سعد
 داخل بد بر به شود و اگر در ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ آید نظر شده اگر در پنجم شکل نرسد نظر زن شده و اگر شکل مانده بهت نظر
 شده به متب کرم و بیخ از صغیر و سر سام و قون بیخ سستی و اندوه و تب و در و زانو و رفتن خون از شکم
 و گرو غارش و در نبل و طاعون و تب یکره و تب گرم و اسهال شده و قیض و دلیل شود و سرطان
 و آماس شکم و استسقاء تب و مایه خوبا و بیماری سده و تب لرزه و یار و شکم چیره داده باشد که دل در کند
 و زکام به در و شکم ذنات چاست چپ و دیوانگی و بیوشی و صرع و خون از شکم در بینی به قبضیت و در شکم
 و آنت روح خون شکم در سینه در کام و در پشت و در چشم و پا و سرخ و زخم سنگ و دیوانه و گرگ و بلبلک
 یا تب و در غیر محل خورد و باشد بر سر مازگی و استسقا و آماس و تیره و سرخ و سردی و آب شسته و در

من زنگ اگر در خانه ۶ شکل باد سه آید و تکرارش در خانه سه بادی اشیب است و اگر در ۶ شکل خمس است مثل
 آنچه باروست لیکن معلوم این نیز بعمل دستار است سطر به اگر پسند که محل هست یا خواهد شد یا نه اگر در ششم
 یا ۱۰ باشد و بیست و چهارم در آنچه موجود بود گوید که محل هست یا برزوری خواهد شد و این شکلها را در بار دوم هم همین
 حکم است و اگر ۱۰ باشد و بیست و چهارم خواهد بود بر آید گوید که در شکل محل نیست بلکه از با یا اشیب چیزی معلوم شده است
 چه در پنج استقامت شود و اگر سه ال کند که محل بچسب یعنی مانده یا نماند شود اگر در ۱۰ یا ۱۰ باشد و تکرار در دوم
 است آن را همان خوردانند و اگر در پنج در پنج و سوم تکرار کند آن نماند جاست رفته که در اینجا سقط شده و سایر بر
 افتاده و این قاعده سوال است و دست سطر به و اگر در ۶ خارج شود و بیست و چهارم تا در طالع و بقوت باشد گوید
 بعد چندی محل خواهد شد و اگر در اول داخل و بیست و چهارم دلیل بر بودن محل است **فوق** در اول یا
 مستقیم و هشتم زنگ در شکل که از ضرب آن برود آمده شکل طبع است یا نه و اشکال طبع است بیست و چهارم
 بیست و چهارم و اگر این اشکال در پنج و بیست و چهارم تکرار آید همین حکم دارد در معرفت تکرار و او که پس در دختر تکرار با
 تکرار و بیست و چهارم را با مستقیم اگر شکل تکرار آید زنگ شود و شکل ماده دختر بیست و چهارم در خانه با سه حفت و دختر
سوال از گریخته در طالع و دوم و اگر شکل سحر داخل آید یا سحر ثابت گریخته خود بخود آید و خمس
 خارج با خمس منقلب یا خمس ثابت پانزده نشود و اگر در ۶ داخل بود با یک نشسته باشد و ثابت بود در جماعت
 نشسته باشد خارج و منقلب تنها و اگر در چهارم و بیست و چهارم شکل داخل یا ثابت گریخته در شهر است و اگر خارج بیرون
 زنگ و کش خارج بر او بعید رفته و سواد منقلب تر و در زمین دارد و خمس منقلب در راه سه در دو و بیست و چهارم
 از جماعتی که آمده بود بهمان جهت باشد **فوق** دیگر اگر در دوم و چهارم و بیست و چهارم داخل شوند یا نماند شود و خارج
 و اگر در ۶ و بیست و چهارم است و از هر دو اگر آن شکل داخل باشد بیاید و اگر با تکرار بیست و چهارم گواهی پیدا یافت
 و بیست و چهارم است آید زنگ شده و در زبده را همین حکم است و اگر در اول داخل و در دوم داخل سحر و تکرار دوم
 و یا در هم گشته بیست آید اگر در دوم و بیست و چهارم تکرار کند گشته از میان با بیست و چهارم اگر سوال
 کند که مال ازین فراموش شده یا نماند و بیست و چهارم است بل اندازد و اگر در دوم داخل سحر باشد و زبده
 خود فراموش کرده و تکرار دوم و سوم و یا نماند در راه انداخته و در چهارم جاست بفراموشی انداخته علی بن القاسم
 اگر در دوم یا بیست یا بیست و چهارم یا بیست و چهارم باشد و در دوم خمس زبده و از اول و بیست و چهارم
 و در زبده نقطه آتش را بگیرد و از زبده زبده و شکله سازد حکم از صورت زبده کند از زبده که فراموش و اگر خواهد
 زبده نشان از زبده صورت او معلوم کند شکل بیست و چهارم زبده آنچه تکرار کند صورت زبده بود اما نشان زبده
 از تکرار بیست یا بیست و چهارم آن در هر خانه که تکرار کند گوید و حلیه اشکال چون نوشته شده تکرار زبده پرداخت

که بیخه در ۳ و ۶ و ۹ و ۱۲ یا بسیار مکرر کند خوف بود و اگر ۱ و ۴ و ۸ و ۱۲ داخل بود در اعمات آید حیوان را
در همان شهر بود و نفس داخل در همان محل و عاقبت پیرین بر نوزاد اگر ۱ و ۲ و ۳ و ۴ خارج حیوان را میزند
و میزد را هم اگر در شکل نماره زرد رنگ و باوه و ... و خاکسترگون و آبی سفید یا سبز و کبود و خاکی سیاه
نوع دیگر احوال رمد را از ۶ گویند نیاید و نقصان اند داخل در خارج گوید اگر نقطه هاسه غالب بود
از حرارت و سوزش و لانه هاسه غایت شود و از اعطه یا دی از سر و آب روان ضایع شود و اگر نقطه آبی باشد
علتی که درون جگر گویند آن و حیوانا صید است و در آن نقطه رنگی مرگی و بیوست علی پیدا شود اگر بنده و غلام
پرسد که مراد و مستند یا آزاد کند اگر ۱ و ۲ و ۳ و ۴ خارج سعد باشد آواز کند بختی و خارج محسن به بیلی و یا نقره و شند
بضرورت که او بد و سبب زنگار ۶ گوید و از ۳ عاقبت حال گوید و اگر ۱ و ۲ و ۳ و ۴ خارج بود بخانه دیگر نقل کنند
بیت ۱ در ادراختانه ساکن بود ۱۲ در غیر ۱۲ خط آزادی بود و در ۱۲ خط بیع و اگر در ۳ و ۴ و ۵ و ۶ بود
آزادی بود که بنویسند و اگر ۳ و ۴ داخل سعد بود بر جوی آسانی چیزی بگیرند و آزاد کنند و اگر داخل محسن بضرورت و از
سائل چیزی بگیرند ۱ و ۲ و ۳ و ۴ خط آزادی بنویسند و در ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ خط فروخت
البته در رمل خط احکام شانه چیزی اگر کسی سوال از نکاح کند اگر در اول سعد و بیستم سعد داخل و ۱۲
یا ۱۳ در جاسه نیک ناظر طالع باشد آن نکاح شود و زود و اگر در بین صورت در پنجم یا دیگر شکل سعد با تو
باشد سوم شادی و مثل معانی و راگ و رنگ و غیره سر انجام آید و اگر در اول و بیستم سعد داخل و استخوان گیر
مثل ۱۲ و ۱۳ و خانه چهارم و با زود و شاد و هم و الت بر بودن نکاح کند و خانه پنجم محسن باشد یا بد گفت
که نکاح شود تا سوم شاد و خوب نشود و اگر در بیستم سعد شود در عقد بندی گفتگو خواهد شد و اگر سعد است در آسانیت
عقد خواهد شد و از اول پنجم یا ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰
ضعف آن حکم کند که شیخ آن پیش رفت خوب بیاید و راسته خواهد شد یا نه و از بیستم اول و بیستم حکم کند بر اخلاص و
محبت زن و شوهر و عدم آن و اگر شکل اول در خانه است دوستی تکرار و بیستم دوستی بین مردان زن را بسیار خواهد
و اگر در بیستم در خانه است دوستی تکرار نماید زن و مرد را بسیار خواهد و اگر مرد و کمرار سعد کند و ناظر دوستی باشد
بیت از جانبین باشد و اگر تکرار کرده باشد از سعادت شکل پنجم اول و بیستم و تکرار آن حکم کند و یا از تکرار شکل
پانزدهم اگر در ۲ بود اخلاص از طرف زن بود و اگر شکل بیستم در بیستم تکرار کند اخلاص مرد بود و اگر شکل طالع
بیستم مرد و ذکر یا توت باشد سازگار بود و اگر یکی مذکر و یکی مؤنث سازگار شود و اگر هر دو یک جنس
باشند اولاد از ایشان نبود و اگر در بیستم بیخه باشد نکاح نشود و اگر متفرق شوند و اگر بیخه در ۲ بود
ان عاشق منش بود و ثانی خوردن بود و اگر در چهارم شکل خارج محسن باشد آن زن خانه نشین نباشد

تاریخ و ... بود. ماقبت فوعدیگر حکام ضرب اگر شکر بنویسد خارج مستولی بود
 ... در خانه سال باشد و در هر یک یک کند قوت سال باشد
 ... اگر در میز آن اصل تکرار کند قوت مستولی را باشد و اگر شکل طالع در ششم تکرار کند و خوش بود
 ... اگر در میز آن سال و اگر مضموم در ۶ ماه کر شود و خوش بود دلیل پنج در مضموم مستولی باشد اگر طالع در دوازدهم
 ... اگر در مضموم مستولی باشد و در دوازدهم و خوش بند و زندان مستولی شود و خوش بود
 ... اول و بار چارم و آب هفتم و خاک هم ششم سازد که آن دلیل سال است و شکل در دلیل مستولی
 ... باشد که رعد و قوی باشد آنکس غالب اندامین را بر مان طالع حکم کرده طالع دلیل دوم بر شکر و مضموم مستولی
 ... در اعوان و صلاح و قوت و ضعف چارم دلیل بر وضع جنگ پنج بر شکر و آب است. ...
 ... در ششم دلیل مستولی تا من دلیل بر شکر و مضموم مستولی ششم بر جاسوس است ...
 ... در مقام خصم یازدهم بر چلیپا سے شکر خصم دوازدهم بر شکر که بران قصد کند بر چلیپا مستولی
 ... او را بود اگر شکل طالع در هفتم یا هفتم در طالع نشیند یا بر دو شکل نیز نشیند ...
 ... از جنگ و صلح شود و اگر شکل طالع یک از ...
 ... سال بقتل آید و اگر طالع ...
 ... که ششم مستولی است بر سوز سابق حکم قبل و جرات مستولی کند و اگر از ...
 ... و دوم و کر شود و هم دلیل که اکثر مردم شکر سال گذشته در مجموع شوند و همین مضموم مستولی اگر
 ... و دوم و کر شود و هم با شکل و هم در طالع و سعد دلیل که سال را صلح و نصرت بود و اگر شکل مضموم سعد
 ... و اگر شکل طالع سعد اول با سعد ثابت کر شود و در یک از ...
 ... آید و کر شود در ۱۲ سال در بند افتد و اگر همین شکل در هفتم تکرار شود و در ششم
 ... سعد آیند و کر شود و در اوقات شکر سال غالب شود و اگر دشمنی شکل خوش و کر
 ... در سال شکر سال نیز همین احوال شکر مستولی است در باب هر بخش ترین اشکال این هستند
 ... و در دلیل ...
 ... جدا گانه از خود حکم کند. زیرا آنچه بنام طالع و جات دیده شد ...
 ... حریف بود گفت سبقت جنگ از طرف حریف باشد و در طالع ...
 ... بر طالع مستولی پس طالع در نخست است و طالع حریف سعد ...

نش اکبرست : : : : : بین دلیل گفته که غائب مروه است و الله اعلم بالصواب



فانچه دیگر براسه زندگی و مردگی غائب است : : : : : در اول و تکرار
 چارم دلیل زندگیست چرا که شکل طالع اگر داخل : : : : : باشد و تکرار در چارم کند
 دلیل بر زندگی است و نقاط افراد است و پنج اندازین : : : : : هم ولالت بر زندگی دارین

که طالع است تکرار در ششم وارد و نیز در دوازدهم : : : : : مکررست پس در سفر و تباها
 در پشانی گرفتار شد و معذرا : : : : : بر سر گردانے دارو چون : : : : : طالع منکس بر : : : : : شده
 در سیزدهم که گواه طالع است نشسته و در غایت : : : : : پس از : : : : : شده در مابست چرا که :

هفتم در موسم در خانه نقل و حرکت است و الله اعلم بالصواب : : : : :
 در طالع : : : : : و تکرار شش در ششم : : : : : صورت جنگست پس : : : : :
 سعیت جنگ از سالن بود سالن به نقل آید به ششم خانه مرکب و نقل : : : : : است در

لایح حریت : : : : : و تکرار شش در خانه نیک است و در : : : : : رفیقان است پس بیقان
 سالن بخیریت مانند که از رفیقان حریت کشته شوند و حریت بسیار در دوستی خواهد آمد ایکن سالن قبول
 ناکره جنگ خواهد کرد براسه اینکه شکل مقیم سعد و تکرار شش در خانه دوستی و : : : : : که صاحب هفتم است در هفتم

در خانه دوستی است تکرار کرده در شکل طالع سالن با دوستی خوبست تکرار در خانه عداوت کرده ازین
 دلائل گفته شد و پیش ازین در میان سالن و حریت دوستی بود و بنوعی عداوت شد زیرا که از نیت اول
 و هفتم : : : : : برآمد مکرر بود در ششم که خانه دوستی است اما بسبب رایست او در زمان سابق حکم دوستی کردم

و باز تکرار شش در دوازدهم است که خانه عداوت است و در ملک و حدود سالن گریز شود و برانی باشد و در
 لغت حریت در آید که در چارم که حدود ملک سالن است : : : : : شکل گریز برانی است و عکس آن در
 لایح حریت است پس بگوش بدست سالن افتد چنانچه بعد چند سے بهین عنوان ظهور آمد و الله اعلم بالصواب

و عکس دیگر از اول و ششم و چارم شکل سازد اگر خارج محسن اندقام مروه با انکار بود و محنت
 است اگر از شتر گشت پرسند اگر شکل هفتم سعد بود شکر یک مو این باشد و بیت المال سالن و شتر یک
 ما باید دید اگر هر دو سعد داخل شود از شتر گشت نفع بود و اگر بیت المال سالن محسن شود زبان کشته و از شکل

تدر خور ز تب و علت استسقا و از غرق شدن نگاهدارد و نماز که در اول بنه در هشتم چه در دوازدهم
 بنه در نهم باشد مگر کند قطعا که ازین چیز نگاهدارد و اگر غالب اندر او باد باشد خود را از آسیب نتواند
 و مگر در کجاها در خانه که در اول و بنه در نهم و بنه در دوازدهم باشد و اگر غالب بود بنه در نهم
 باشد خود را سوختن آتش و باد و مسموم و احتراق خون دارد نگاهدارد و نماز که در اول و بنه در نهم و بنه در دوازدهم
 در نهم و در سیزدهم باشد حکما بین سورت از عذبه عنان حکم کرده اند و الله اعلم و از خانه و درم اولی قرین
 را هم کرده اند اگر سعد خارج باشد سبب است او است و دشمن تکلیف و نفس داخل و ثابت و نفس منقلب او انشود
 از سعد داخل بر او براسه شخصی بابت میراث و دیده مگر از آنست که بنه در نهم و بنه در دوازدهم و در خارج
 سال و بود و در نهم و پس مدعی علیه بجا هر اگر چه بنه در نهم و بنه در دوازدهم و در خارج
 نیک متوسط قیامین و از نیکین در باطن مدعی علیه نسبت طلب بنه در نهم و بنه در دوازدهم
 سال و دشمنی جانی است براسه اینکه در طاعت در دوم خود و خانه شود بنه در نهم و بنه در دوازدهم
 مال است و در هشتم چه هشتم خود آمده که خانه کینه و نسا و و کت و قتل و مرگ است و معنی از ضرب بنه در نهم
 صاحب خانه بنه بر آمده که شکل خانه در دوازدهم است که خانه عداوت است و از ضرب بنه در نهم و بنه در دوازدهم
 و بر آمده و در تکرارش در دوازدهم است که خانه امید است پس حصول میراث می شود و لیکن جنگ و خصومت هر که
 بجای بنه است در دوم چه که بر دو منسوب بنه در نهم است این مقدمه عاید بجا که خواهد رسید زیرا که در خانه هشتم
 بنه در نهم بجانه شود در دوم که با فوت است که خانه حاکم است و بنه در نهم شکل حاکم است خواستیم که در میان
 سال و مسئول چه خواهد شد از صلح و ستاد و از بنه اول و بنه در نهم بنه بر آمده که شکل
 ثابت است نفس است پس گفت و کردت علی بالادام در میان آنها خواهد ماند و حاکم رعایت هیچ کس نخواهد
 کرد و برای اینکه از نتیجه اول و دوم و بنه در نهم یک شکل بر آید چه که از سال و مسئول ساقط است و دلیل
 دوم آنکه اول هم چه بر آید و ازین دلیل سال است و بنه در نهم و بنه در نهم چه دلیل مسئول است و هر کدام ازین
 هر دو در دوم و در میزان و نه شکل میزان و در دوم در سکن گیا ازین هر دو پس حاکم رعایت هیچ یکس نخواهد کرد
 و این قاعده در احکام خانه سوم نوشته شد چون بنه در سوم در مزاج خود با فوت است و شکل صلح پس
 خویش و اقربا در میان آید صلح خواهد آمد آخر الامر بین منم بطور آمد و الله اعلم احکام حاکم حاکم اگر
 سوال از سفر کند که رفتن من می شود یا نه نظر کند بطالع و سوم و چهارم و نهم و دوازدهم اگر درین حس آنها
 شکل خارج سعد باشد سفر می شود و بنه در نهم و از آنس خارج نفس بی اختیار می و اگر شکل اول منقلب
 یا ثابت یا داخل و در چهارم هم داخل یا ثابت سعد ذکر آن در دوازدهم حکم بر نهم رفتن آن کند طبعی لبشیر که

در شان نزول هم داخل یا ثابت باشد و اگر در طالع خارج محسوس آن در نهم اگر درین صورت چهارم هم خارج باشد حکم بر رفتن آن کینه بود
 و اگر در چهارم داخل یا ثابت آید بعد چند روز لیکن حکم بر رفتن آن کند اگر در چهارم ثابت باشد بعد چند روز و اگر در طالع خلیج و عکس آن در چهارم حکم بر ماندن
 کند مطلقا اگر یکسوم یا نهم منقلب یا داخل باشد و اگر نهم همان عکس شکل طالع کرد در چهارم است و سوم
 یا نهم مکرر شود رفتن بعد چند روز شود اگر رتل برای سفر دید اول و چهارم و نهم داخل برآید و این دلالت بر طبلان
 سفر دارد ولیکن یازدهم خارج و هفتم در هم لیکن داخل جدا باشد پس ای عزیز با اختیار هر دو مکرر خواندیش جایی بهتر
 و اگر طالع خارج و چهارم هم خارج و عکس چهارم و نهم یا سوم هم دلیل رفتن بود و اگر شکل نهم خارج و مکرر شود در
 یازدهم هم دلیل رفتن و اگر شکل منقلب شود از راه برگردد و یا از اراده باطل شود اگر از خیریت سفر پرسند اگر نهم
 سعد و تکرارش در خاناسه نیک سفر نیک با خیریت باشد و اگر در نهم شکل سعد و تکرارش در ۶ و ۷ و ۸ و ۹ در سفر
 بیماری و خوبی همه سعادت است بخیر شود و اگر شکل ششم و شانزدهم سعد باشد و اگر سوم و نهم محسوس باشد و تکرارش جاس
 بد در سفر بیخ عظیم کشد و تباہ شود و ۶ ربخوری محسوس با گرفتار شود و در هشتم از قلع الطریق و غیره خوف مانده
 کشته شود اگر دوم خارج باشد مال بفارت رود و ۱۲ بند شود یا کشته شود اگر هشتم محسوس و در چهارم محسوس
 باشد نوع دیگر نوشته اند اگر شکل اول از نهمین و او تا بود و تکرار بد کند مسافری جایی شود و اگر شکل ششم
 بود و تکرار بد کند بدست حرامی کشته شود اگر در طالع نهم سعد باشد و یکی از ایشان تکرار در نهم و یازدهم کند سفر بسیار
 و با منفعت و تکرار در نهم خوب است اگر شکل اول در ۶ ربخوری و ۱۲ نهم صعوبت و در ۶ خوف و اگر در هفتم
 ۶ باشد و تکرار در ۶ کند بد باشد و ربخوری بود و در ۶ خوف عظیم و ۱۲ در میزان و تکرار در هشتم دلیل
 ربخوری و ۹ و تکرار در ۶ و ۳ بغایت بد باشد و در ۱۲ تباہی است اگر کسی سوال کند بهر جاس و شهری
 که در روم ساوار بود از نتیجه اول و هفتم گوید از سعد داخل ساز واری و از تکرار آن حکم کند از خیر و شر اگر هشتم
 سعد داخل از اینجا منفعت باشد و داخل و ثابت در باند و منقلب بجای دیگر رود و در فقیری و بد حالی
 تا مرگ در اینجا ماند بحدت بسیار اگر در ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ بود در مرغن و بیخالی بود
 اگر یازدهم چهارم تکرار کند در بدگفتی حالی میرود و اندک علم بالصواب ای سفرش دیده شد آنچه نیست ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
 اختیار بسفر خجاست صرفت چرا که خارج محسوس بر طالع و تکرارش در نهم و این شکل صورت ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
 به تر است ازین سبب گفتیم که بی اختیار خواهی رفت اما بعد چند روز که خانه چهارم ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ بند
 است و چون بجاس ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ و تکرارش در هشتم و نهم و نهم از نهم ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ است
 برآید و ۱۱ بخیر و روز وقت مستوب است گفتیم که سفر تو برای عزید و فروخت حیوان است یا پیشین گفت
 بی لیکن جنس همراهی مردم در آن خانه نفع زد و وقت شود یا نه پس خانه دوم که بخیرید و فروخت نسبت وارد است

زمین مشرق خواتم میگیرد آید اگر شیخ یا علمبر بجز را خرابی رسد و بار جنوب خراب شود یعنی در هند و هند
 و نیش و بیش و بین از سواد عرب خراب شود و شام و روم با خطر بود چند بین و فراسایان
 و ترستان خراب شود و مجار و ازمن و سواد و فراسان را آفت رسد و ملک عراق و بحر و بحر
 را آفت بود چنانکه عراق و غرب و یونان را آفت برسد و ساحل دریا و زمین سیداب را آفت بود
 چنانکه اقلیم سلاست باشند و در آن سال تاخت و ریخت لشکر بسیار بود اما عاقبت اعیان انجاده سوال باز
 عمل و خدمت بود اگر او تار سعد داخل یا سعد ثابت باشند عامل در آن سال در بماند و احسان کند و
 و اگر او تار محس داخل و متقلب در بماند اما ظلم بر این شهر کند اگر در دم و چنانکه منفعت بیند
 و در دم و چهارم داخل سعد بود در آن عمل عزیز و متمکن بود اما نفع کمتر و در آن عمل نفع در بند
 و مردم منظر حقارت نگراند اما تا پانزده باشد اگر عکس در دم و در چهارم آید میان که و عیبت است
 آید اگر سوال از عمل و شغل روزگار شود در دم و شغل آید حصول روزگار نشود و اگر بقیه شود نشود
 دست تغییر شود و در دم و در خدمت شود و اگر در دم داخل و عکس آن خارج در بار دم با چهارم آید
 آید آفت خدمت در چند روز در چهارم بود و در ۱۶ و ۱۷ که در روزگار رسد عیبت است با در دم
 شود و از بیت تمام روسه و در در میان سائل و خداوندان مکان آرزو گسگس بنورد و اگر در طالع در دم و باز در دم
 داخل و ثابت باشند و عاقبت هم داخل در آن عمل بماند و اگر در طالع در دم و در دم و تکرار آن در
 ۱۳ با ۱۶ و با شد عمل و شغل بنده و اگر در دم و آید در رسوم هم باشند سائل را بنده و بد که از حق رسد
 در روزگارش رسد و اگر در ۱۳ با ۱۶ خارج شغل شود و در دم و در دم و در ۱۳ با ۱۶
 طالع هم شغوس و درین صورت هم روزگار بر هم خورد و اگر شغل و در ۱۳ با ۱۶ روزگار خدمت
 نباشد و اگر در دم و در چهارم باشد سائل را مطالبه سرکار باشد و اگر سوال کند که هر او کدام خدمت
 خواهد شد بین منصوبات در هم گوید با از اول و در هم شکلی بر آید و از منصوبات آن حکم کند این حکم پیشتر
 خانه اول باز تکرار نمود و از طالع اگر سوال کند اگر در دم شکل سعد است طیب عالم است و لذا حاصل
 باز در دم خانه بخور رسد اگر در هر دو خانه سعد باشند حکم بخور رسد هر دو است و درست است اگر در دم
 سعد و باز در دم شمس حکم بعکس نماید و از نتیجه در دم و اگر سعد بآید و در ۱۳ با ۱۶
 تشخیص مرض نموده و الا نه علی هذا الا لقیاس بخریسه برای و در ۱۳ با ۱۶
 وصول جمیع نمود فرمایش کرد و در مل نوزم زانجه این است و طالع و در ۱۳ با ۱۶
 در دم و رسوم شمس خصوصاً باشند سائل را آنگاه کند که علم عالم است و در ۱۳ با ۱۶

دره و در او ۱۲ اگر کشتی بعد از دریا با مل برسد بجزیت تمام سوال از دعوت مصداقات که قبول نمود
 باز اگر در طالع و نهم حدود داخل آید در او ۱۵ اگر آید از کتبی استجاب باشد و خارج نشود و منقلب یعنی سعد یعنی
 ثابت بعد و بر و محسن نه بت هیچ نشود **نوع سوم** دیگر در کتابی به نظر آمده که اگر سوال از مسافر یا بود و بیغم و
 در روز جمعه خارج مال او را از کتبی و زویر و با زخمی بدست او رسد اول و دوم اگر داخل باشد مال یا بدسیوم و نهم اگر
 داخل باشد مال در مان باشد لیکن چهار پاسه و یا غلامی از دست او برود و احکام علم در خانه رسوم نوشته شد
 همان قسم عمل آید اگر از خواب برسد اگر نهم شکل ثابت باشد خواب بیارنده اند و اگر خارج باشد یا کتبی بنید پاسه
 بنید و فراموشی می شود اگر داخل باشد یا رسه ماند و منقلب چیزی یا رسه ماند و چیزی فراموشی می شود
اگر سوال کنند که من چه دیده ام از منسوبات با شکل نهم و شریک و نتیجه موافق عقل عمل بگوید احکام
خانه و هشتم سوال اگر از سلطنت با و شاه شود رمل زنده و از چهار اوتار و اعمات سازند در رمل تمام
 کنند اگر اوتار در رمل مستخرج سعد داخل و سعد ثابت باشد دلیل انتفاست بود بروی و اگر غنس خارج باشد
 منقلب باشد ملک اردست او برود و اگر سعد منقلب و سعد خارج بعضی ملک با نود بعضی از دست او برود و دولت شود
سوال چند پیش با و شاه کذبین نیت رمل اندازد پس و تا داین رمل دلیل با و شاه حال بود و از اوتار و
 این رمل اعمات سازد و قرعه تمام کنند اوتار در رمل ثانی دلیل بر فرزندان با و شاه با و اوتار این رمل اعمات ساخته
 رمل تمام کنند پس اوتار داین نیز زنده و گان همچنین تا بجدی که استخراج شود دلیل بر نسل ایشان باشد هر جا که
 هر چهار اوتار و محسن خارج و محسن منقلب بر آید قطع سلطنت شود و طبیعت هر نسل از شکل و هم هر رمل دلیل گنیز
 بر سه اثبات ملکیت و ساعت آفتاب زرع مندا اگر **==** در طالع آید دلیل بر ثبات ملکیت و انتفا
 بود اگر **==** در طالع ابتدا سے حال ضعیف بود و آخر قوی **==** امور به مندا و **==** کار ملکیت بر سه
 پذیرد و پنجاه سال در زمانه سه با نذاتنا بجان سلامت بود اگر **==** آید کارها در تغییر و تبدیل **==** و در کتبی
 دشمنی پیدا شود و بدست ملوکان و یار گرفتار شود **==** دیگر با و شاه بروی غالب آید و انان در محنت افتد
== در طالع آید ابتدا سے کار ملکیت ضعیف بود و آخر ضعیف شود **==** در طالع آید امور ولایت بدگرے بازگردد
== صاحب ولایت را سفر پیش آید و چند سے از ولایت ختم بدست آید **==** در طالع آید امور ولایت بدگرے باز
 آید و چند سے از ولایت ختم بدست آید **==** در طالع آید و ملکیت وی چند روز بود و هم از فرزندان با و شاه بود
سوال از احوال اقلیم در ساعت خنجر سے یا عطارد قرعه نذا اگر **==** در طالع آید دلیل که همه اقلیم این بود از
 صل و نعمت عدان سال فراخ بود و با و شاه **==** راستی و عدل بود اگر **==** در طالع آید خلیفه بعد او ملک گردد
 زمین در بعضی از نیک مشرق را خوف رسد اگر **==** این میان ملوک و اشرف حاکمها و رقع آید اگر **==** در طالع آید